

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت پنجاه وهفتم)
سرگذشت کتابخانه و کتابداری در مشهد (بخش سوم)



مرضیه ترابی

اگر یادتان مانده باشد، در قسمت قبل با هم درباره کتابخانه در مشهد عهد صفوی صحبت کردیم و گفتیم که کتابخانه آستان قدس رضوی، به عنوان نخستین کتابخانه شهر مشهد، در این دوره نظم و نسق خوبی پیدا کرد، این نظم و نسق به غیر از ایجاد یک سازمان مؤثر برای اداره و نگهداری کتاب‌ها و اسناد، شامل تزریق کتاب‌های متنوع به بدنه کتابخانه هم می‌شد. بازار وقف کتاب در این دوره، رواج کامل داشت و بیشتر کتاب‌هایی که در اختیار کتابخانه آستان قدس بود و مشهدی‌ها و رزّار می‌توانستند از آن‌ها استفاده کنند، به صورت موقوفه در اختیار کتابخانه قرار گرفته‌بود. در میان فهرست کتاب‌های کتابخانه آستان قدس در سال ۱۰۱۰ قمری، دوره شاه عباس یکم که در مرکز اسناد آستان قدس نگهداری می‌شود، به غیر از قرآن‌ها که فضا و جایگاه متفاوتی داشتند، می‌شود آثار روایی یا مربوط به علوم عقلی و تجربی متعدّی را دید؛ کتاب‌هایی مانند کافی (در حدیث)، «نوع اول جامع شاهی» (در ستاره‌شناسی)، «شرح عقاید عضدی» (در حکمت)، «رساله‌سرالغاضی» (در کیمیا) و ….. طبق گزارش سال ۱۰۱۰ قمری، تعداد کتاب‌های غیرقرآن در کتابخانه آستان قدس، به عدد ۱۰۰ نزدیک بوده‌است که البته برای ما رقم بالایی نیست، ولی برای آن دوره درخو توجه است.

- چالش نگهداری کتاب‌ها

شیوه نگهداری کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی، همان شیوه قدیمی نگهداری کتاب در ایران بود. در دوره صفوی و حتی در ادوار بعد، هنوز چیزی به نام قفسه و چیدمان مدرن کتاب وجود نداشت. کتاب‌ها را در صندوق‌هایی نگهداری می‌کردند که می‌شد در آن‌ها را قفل کرد و از این نظر، در حفظ و امنیت کتاب کوشید. با این حال، استفاده از صندوق، حالت متمرکز نداشت؛ یعنی این‌طور نبود که تعدادی صندوق، با نظم خاص و یک شکل، کتاب‌ها را در خودشان جا بدهند، البته تلاش کتابدارها این بود که بتوانند نظم‌را هر جور شده در شیوه چپنش کتاب‌ها برقرار کنند. این کار معمولاً با استفاده از فضای گسترده کتابخانه سامان می‌گرفت. به قول نویسندگان کتاب «حدیث عشق»، «گنجینه‌ها یا خزائن الکتب چندین رف یا طاق داشت. هر یک جدا از هم با دیوارهای و در آن‌ها بسته و قفل شده‌بود. کتاب‌ها را در آنجاها روی هم می‌نهادند. کوچک‌ترها روی بزرگ‌ترها. عنوان کتاب‌ها و نام مؤلف بر لبه بر هم نهاده بالایی کتاب نوشته می‌شد.» با این حال، استفاده از صندوق، مطمئن‌تر از گذاشتن کتاب‌ها داخل گنجه بود، مخصوصاً که در آن زمان، «موش‌ها، مزاحم اصلی زندگی آدم‌ها بودند! برگردیم‌به دلیل اینکه چرانی‌شد با استفاده از صندوق‌های یکنواخت و یک شکل، نظمی شکلی در کتابخانه پدید آورد، علش این بود که برخی از واقفان، کتاب را به همراه صندوقی مجزا، به کتابخانه هدیه می‌دادندوهیچ‌چوره‌هم‌راضی‌نمی‌شدند کتاب‌جای دیگری نگهداری شود، برخی از این صندوق‌ها هم ارزش مادی بسیار بالایی داشتند. بدیهی است که در چنین حالتی، نظم و نسق یک‌شکلی نمی‌توان در صندوق‌ها به وجود آورد.

- درمدرهای امانت کتاب

کتابخانه‌های عهد صفوی، محل نگهداری و البته مطالعه و استفاده از کتاب بودند وبترین یا انبار که فقط در آن‌ها مشتی کاغذ و سند نگهداری شود،ابه‌میین دلیل،بایدبرای استفاده‌از این‌منابع‌ذی‌قیمت و نایاب علمی هم، سازوکار درست و حسابی پیش‌بینی می‌شد، اما تدوین یک طرح جامع برای امانت و عرضه کتاب به مراجعه‌کنندگان، تقریباً غیرممکن بود، به این دلیل که واقفان کتاب‌ها، در فرایند وقف، شرایطی را برای امانت دادن کتاب در نظر می‌گرفتند که اصلاً یکسان نبود. یکی اجازه می‌داد مراجعه‌کننده کتاب را از کتابخانه خارج کندو دیگری بپردازد و پس موعدی مقرر، پس بیاورد. آن دیگری خروج کتاب از کتابخانه‌رامنوعومراجعه‌کننده‌راملزم کرده‌بوددر همان فضای محدود کتابخانه بنشیند و کتاب را بخواند، حالا اگر چند روزی طول بکشد و مراجعه‌کننده بنده خدا از کار و کاسبی هم بیفتد، مهم نیست! برخی از واقفان کتاب، کمی کوتاه می‌آمدند و اجازه می‌دادند که مراجعه‌کننده آن را از کتابخانه بیرون ببرد و در محیط حرم رضوی، گوشه‌ای بنشیندو مطالعه کند. حتی در نحوه امانت دادن هم، تفاوت‌هایی وجود داشت، صدور قبض امانت، چنان‌که تا چند دهه قبل هم در برخی کتابخانه‌ها رایج بود، وجود داشت و البته، دفتر ثبت و ضبط هم فعال بود. برخی کتاب‌ها را به غیر صنف خاصی، مثل طلاب یا خادمان حرم رضوی، نمی‌شد امانت داد. بنابراین، چنان‌که برخی تصور می‌کنند، فرایند بهره‌مندی از کتابخانه در مشهد قدیم، مثل خیلی جا‌های دیگر، اصلاً ساده و راحت نبود و گاهی افراد را بی خیال کتاب خواندن می‌کرد! به غیر از این‌ها، شرایط امانت هم خودش یک جدول لگاریتمی بود! برخی کتاب‌ها، طبق نظر واقف، به هر فرد فقط یک بار امانت داده می‌شدو او حق نداشت دوباره آن کتاب را امانت بگیرد. درباره قرآن‌ها، شرایط محدودتر و بیشتر بود. در وقف‌نامه شاه‌سلطان حسین بر قرآن ظهیرالدین‌بابر که الهیه‌محبوب‌فرمانی، فرازی از آن را در کتاب«تاریخ کتابخانه آستان قدس» آورده‌است، نوشته بودند: «وقف بر روضه جلیله، کتابدار سرکار فیض آثار در کتابخانه مبارکه نگه دارند. برای تلاوت زواری که به آن کتابخانه آیند و از کتابخانه بیرون نبرند.» در برخی دیگر از وقف‌نامه‌ها، خروج قرآن از کتابخانه، فقط منوط به زمانی بود که قصد تعمیر جلد یا برگ آن را داشتند. مسئله محدودیت‌ها به این موارد خلاصه نمی‌شد، برخی واقفان استفاده از قرآن یا کتاب وقفی را به روزهای خاصی محدود کرده‌بودند، مثلاً در وقف‌نامه، تأکید داشتند که قرآن فقط باید شب جمعه قرائت شود یا فقط باید آن را در مجالس تعزیه قرائت کنند. این مسئله در باره کتاب‌های دیگر هم وجود داشت. هرچند به اندازه قرآن‌ها نبود. به این ترتیب، کتابدار بدبخت باید تا توجه به همه این شرایط متنوع، کار نگهداری از کتاب‌ها را انجام می‌داد و در ضمن، استفاده از آن‌ها را هم تسهیل می‌کرد. ممکن است ما که ۴۰۰، ۳۰۰ سال بعد به این روش‌ها بر می‌خوریم، از رویکرد واقفان متعجب شویم، اما اگر کمی دقت کنیم و منصف باشیم، در می‌یابیم که نگرانی واقفان برای حفظ کتاب‌های موقوفه خیلی هم بی‌ربط نبوده‌است. کتاب در دوره صفوی، شیء بسیار گرانبهایی بود و این امکان وجود داشت که خیلی‌ها به آن طمع کنند. از سوی دیگر، فرایند تولید کتاب، سخت، دشوار و هزینه‌بر بود و جایگزین کردن کتاب‌ها در شرایط عادی، به‌سختی امکان داشت. مخصوصاً اگر نسخه‌ای منحصربه‌فرد از یک اثر فاخر بود. به هر حال، این احتیاط‌ها، دردسرهای فراوانی برای کتابداران ایجاد می‌کرد، اما در کل، از حجم مفقودی یا ضایع شدن کتاب‌ها نمی‌کاست! در قسمت‌های بعد با هم این مسئله را بیشتر بررسی می‌کنیم؛ البته در دوره‌های پساصفویه.

شهرک

شهرک‌های ایران

شهرک‌های ایران



تاریخ و هویت

- ۱۸کتیبه شناسایی شد!

کنجکاوی ما درباره کتیبه، رفتی را وادار می‌کندکه آن را از روبرایمان بخواند. البته اذعان می‌کند که خوانش این کتیبه که به خط فارسی نوشته شده، راحت است وگرنه باید متخصص خط‌خوانی این کار را انجام بدهد. در کتیبه نوشته شده است که: «ملک وقفی قرب (نزدیک) حمام حاج نوروز (ناحیه ۴) است وعایدات موقوفه هر سال بعد از وضع مخارج تعمیر موقوفه صرف روشنایی و حصیر و… مسجد مزبور گردد».

او در حال خوانش متن است که حامد طهماسبی از راه می‌رسد. او دکترای باستان شناسی دارد و کار شناسایی و مطالعات اولیه این طرح را انجام می‌دهد. چند دقیقه قدم زدن با طهماسبی علاقه بی حصر او را به تاریخ این شهر نمایان می‌کند، زیرا از هیچ نشانه‌ای که رگه‌ای از قدیمی بودن داشته باشد، راحت عبور نمی‌کند.

طهماسبی آن‌طور که خودش تعریف می‌کند، در ابتدای کار، پس از جمع‌آوری اطلاعاتی که از قبل درباره کتیبه های تاریخی‌ثامن وجودداشته به یک فهرست پانزده تایی می‌رسد، ولی مدتی بعد پس از آن شروع می‌کند به پیاده‌روی در منطقه و جمع‌آوری اطلاعات میدانی. حاصل گشت‌وگذار او به کشف سه کتیبه دیگر منتهی می‌شود؛ کتیبه مسجد دولاب، کتیبه مسجد امام سجاد^(ع) در کوچه شیخ ورپا و یکی دیگر که نامش را به خاطر نمی‌آورد. پس از شناسایی و تهیه فهرست این کتیبه‌ها هم، طرح مرمت و تثبیت آن‌ها شکل می‌گیرد. این دکترای باستان‌شناسی امیدوار است که این طرح به هویت مشهد کمک کند.

آن‌ها تا کنون به خوبی توانسته‌اند که هیئت امنای مساجد را با خودشان همراه کنند تا از این طرح استقبال کنند.

طهماسبی اطلاعات بیشتری از کتیبه‌هایی که شناسایی کرده است، می‌دهد: اگر کتیبه‌های حرم را که از دوران تیموری باقی مانده است، کنار بگذاریم، ما حدود هجده کتیبه داریم که از دوران صفویه و قاجار به جای مانده‌اند.

در مجموعه کنونی، کتیبه مدرسه عباسقلی‌خان که از دوره صفویه به جا مانده، قدیمی‌ترین کتیبه است که حدود ۴۰۰ سال قدمت دارد. بقیه کتیبه‌ها هم مربوط به دوره قاجار است و عمرشان از ۲۲۰ سال شروع می‌شود که تا دوره پهلوی اول متفاوت است. این باستان شناس درباره چرایی استفاده از کتیبه در بنا نیز توضیح می‌دهد: «کتیبه را می‌شود ادامه دست‌نوشته‌های انسانی بر روی سنگ دانست. اگر سنگ‌نوشته‌های معمولاً را کنار بگذاریم از دوران اولیه اسلامی در داخل شهر کتیبه داریم. معمولاً کتیبه‌ها برای بناهای عمومی وقفی داخل شهر مانند آب انبار، حمام و مسجد به کار می‌برده‌اند و در آن بنا معرفی، سرمایه‌گذارها و واقفان بنا مشخص و نحوه درآمدزایی از موقوفه هم های شده است. سنگ‌تراش این کتیبه‌ها را می‌تراشیده و در صورتی که خطاطی می‌دانسته، خط زیبا و خواناتری داشته است.»

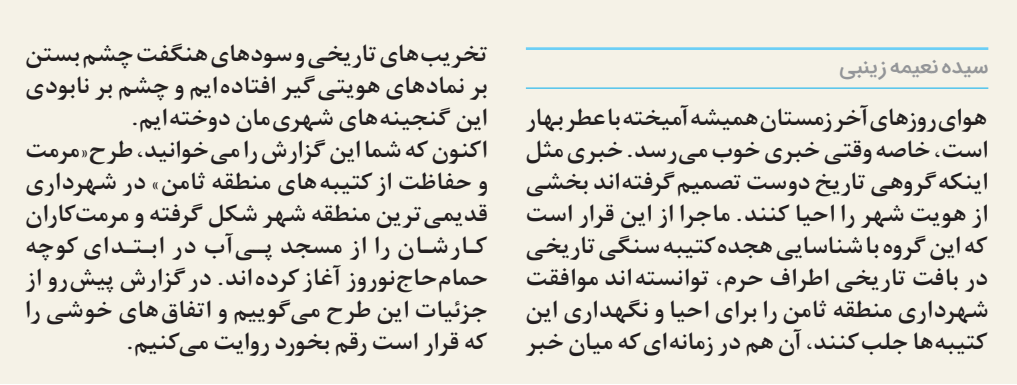
برسد، لایه برداری و تثبیت کتیبه‌ها، در فاز دوم خوانش و مستندنگاری و در فاز سوم نیز حفاظت و نگهداری از این آثار ارزشمند تاریخی صورت گیرد. این کتیبه‌ها قرار است در بنای مربوط به خودش جانمایی شده تا ارتباط تاریخی و هویتی آن با اثر قطع نشود. علاوه بر این، توضیحات تاریخی و متن ترجمه شده آن نیز در کنار کتیبه نصب خواهد شد.



نمایی از آب‌انبار در دست مرمت مسجد جعفری در پایین‌خیابان

جان دوباره بر کتیبه‌های تاریخی که در کورسوی هویت مشهد دوام آورده‌اند

تیمار سنگ‌های بیمار



۱۸	تعداد کتیبه ها	۱	ته پل محله	۷	نوغان
۲	محل نصب کتیبه ها		آب انبار ضیاء		مسجد امام رضا^(ع)
۳	عیدگاه	۵	پایین خیابان		مسجد سر پل سنگی
	مسجد معتمد		آب انبار موری		ابتدای نوغان^۶
	حسینییه قفل گرها		مسجد جعفری		چهارسوق نوغان
	سرشور		مسجد خوردوی دولاب		حسینییه کرمانی ها
	آب انبار چهل پایه		مسجد خوردوی شیخ برپا		مسجد کردها
	۲کتیبه بازار فرش		سردر مدرسه عباسقلی‌خان		مسجد پی‌آب


 زبلوی وقفی ۷۷ساله مسجد امام حسن عسکری^(ع)

جا انجام بدهد، نامی از خودش به جا می‌گذارد. کتاب ممکن است در گذر زمان از بین برود، ولی با نگاشتن وقف‌نامه روی سنگ آن را برای یک عمر ماندگار می‌کنند. کتیبه های بزرگ سنگی از مدرسه، دو در، و پربزاد، از دوره تیموری وجود دارد که با وجود اینکه خود بنا تخریب شده، کتیبه‌اش باقی مانده است.

سپیده نعیمه زینبی

هوای روزهای آخر زمستان همیشه آمیخته باعطر بهار است، خاصه وقتی خبری خوب می‌رسد. خبری مثل اینکه گروهی تاریخ دوست تصمیم گرفته‌اند بخشی از هویت شهر را احیا کنند. ماجرا از این قرار است که این گروه با شناسایی هجده کتیبه سنگی تاریخی در بافت تاریخی اطراف حرم، توانسته‌اند موافقت شهرداری منطقه ثامن را برای احیا و نگهداری این کتیبه‌ها جلب کنند، آن هم در زمانه‌ای که میان خبر

- لوح‌های سنگی، ماندگاری وقف

از قدیم الایام، مرسوم بوده وقتی کسی وقفی می‌کرده، از خودش وقف‌نامه‌ای هم به جا می‌گذاشته است. گاهی هم این اهداکنندگان خبر برای ثبت آنچه وقف کرده‌اند، آن‌را به شکل کتیبه درآورده، در معرض دید عموم قرار می‌داده‌اند و چه چیزی بهتر از سنگ‌نوشته‌ها برای این تحکیم، تا پیوند میان وقف و وقف‌نامه را محکم کند. نمونه و نشان این کتیبه‌ها را اکنون می‌توان در بافت قدیم مشهد که روزگاری از پیوستن چند محله کوچک بالاخیابان، پایین خیابان، چهارباغ، نوغان، سراب، سرشور جان گرفته بود، مشاهده کرد. بنابراین نیاز به گفتن و دانستن نیست که بافت اطراف حرم قدیمی‌ترین بخش مشهد کنونی است که بیشترین ملک وقفی را هم دارد. وقف‌هایی که بسیاری از آن‌ها در جریان تخریب و طرح‌هایی که با نام نوسازی در اطراف حرم اجرا شده است، از بین رفته و بعضی از آن‌ها هنوز باقی مانده‌اند.

- تخریب بیشتر، لوح کمتر

قدم گرفته‌ایم به تماشای این کتیبه‌ها و جالب است بدانید در این محدوده، هرجا تخریب‌ها بیشتر بوده تعداد لوح‌های سنگی به جا مانده کمتر است و هرجا حجم‌آوارکردن سازه‌های کهن کمتر بوده، تعداد سنگ‌نوشته‌ها بیشتر است.

به همین علت در محله چهارباغ که حجم تخریب‌ها بیش از حد تصور است، هیچ کتیبه‌ای یافت نشده‌و در حدفاصل نوغان تا پایین خیابان بیشترین اثر شناسایی شده و هشت لوح سنگی از این تکه از تاریخ بر جای مانده که یکی از آن‌ها لوح سنگی مسجد پی‌آب است.

مسجد«پی‌آب» که بیست و پنج سالی هست به نام «امام حسن عسکری^(ع)» خوانده می‌شود، در پایین‌ترین نقطه محله پایین‌خیابان قرار گرفته است. در گذشته دیوار به دیوار مسجد و حمام حاج نوروز جا خوش کرده بوده و آن قدر برای اهالی محله قدر و قیمت داشته است که یک کوچه طول و دراز را به نام خودش بکند و حتی مسجد را به نام آن بخوانند. این شکوه گذر کرده از دل تاریخ اما دهه هفتاد با تخریب حمام از بین می‌رود و حالا از آن فقط یک زمین در شارستان باقی مانده که در مجاورت مسجد، یاد می‌خورد. پیرمردها هنوز این نقطه از شهر را به نام نوغان می‌شناسند که با عبور شارستان از کمر دو تا شده است. ما دقیقاً در این قسمت ایستاده‌ایم جایی که کمر نوغان شکسته است!

- وقف نوشته‌های سنگی از نو خوانده می‌شوند

استاد مرمت‌کار روی یک صندلی کوچک رو به کتیبه مسجد امام حسن عسکری^(ع) نشسته و با یک تیغ لای نوشته‌اش را می‌تراشد. کلاه و روپوش سفیدی که به تن دارد، هیبتش را شبیه پزشکی کرده که برای نجات جان بیمار اش آمده است. بیمار یک تکه سنگ است که از دستخط رویش جان گرفته است. تنها با سنگ، با ابزار و قلم و مواد پاک‌کننده‌اش نشسته و دارد به سنگ

 مرمت یک تکه از کتیبه مسجد امام حسن عسکری^(ع)

نوشته مسجد حاج نوروز رسیدگی می‌کند. رنگ‌ها در لابه‌لای نوشته‌ها جا خوش و خوانایی آن را کم کرده‌اند. مرمت‌کار باید نوشته‌ها را از لای رنگ‌ها که راه‌های تنفس سنگ را بسته‌اند بیرون بکشد. شروع صحبت‌مان با استقبال ابراهیم رفتی کلات روبه رو نمی‌شود. انگار سؤالات ما ذهنش را از کار دور کند.

فرجام خوش کتیبه‌های تاریخی

مسیرهای تاریخی منتهی به حرم مطهر رضوی صورت می‌گیرد.

کتیبه‌هایی هم که اکنون در دست مرمت قرار دارند، اطلاعات خوبی درباره تاریخچه اینبه و مسائل موقوفی قیات در اختیار زائران و مجاوران و علاقه‌مندان به تاریخ و هویت مشهد قرار می‌دهند. تا کنون هجده کتیبه شناسایی شده که وضعیت



استاد رفتی در حال مرمت یک کتیبه



نمایی از سردر مسجد پی‌آب در ابتدای گذر تشراف حاج نوروز